



گرامی باد سالگرد رستاخیز سیاهکل و قیام پرشکوه بهمن

خلق های قهرمان ایران !

بار دیگر در آستانه سالگرد رستاخیز سیاهکل و قیام پرشکوه بهمن قرار داریم که گرامیداشت آن ها وظیفه تخطی ناپذیر هر نیروی انقلابی است، چرا که این دو رویداد بزرگ تاریخی در تاریخ سراسر مبارزه و مقاومت کارگران و زحمتکشان علیه سلطه امپریالیستی در ایران و نظام سرمایه داری وابسته حاکم نقاط عطف انکار ناپذیری بوده و به همین اعتبار هم در جنبش انقلابی کشور ما جایگاه ویژه ای یافته و در حافظه تاریخی مردم ما ماندگار شده اند.

در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ دسته پارتیزانی جنگل به فرماندهی رفیق علی اکبر صفائی فراهانی با حمله به پاسگاه سیاهکل - در جنگل های لاهیجان - به رژیم مزدور شاه اعلام جنگ داده و مبارزه ای را آغاز نمودند که در مسیر خود فضای سیاسی حاکم بر سراسر کشور را دگرگون نمود و با در هم شکستن بن بست مبارزاتی و نشان دادن شیوه انقلابی مبارزه ، رخوت حاکم بر مبارزات روشنفکران و پیشرو توده ها را زدود و جاری شدن سیل مبارزه توده ای را تسهیل نمود. هفت سال بعد، همگان به عینه دیدند که نسیمی که در سیاهکل وزیدن گرفته بود چه زود به طوفانی سهمگین بدل شد که طی آن مردم بپا خاسته فریاد می زدند "ایران را سراسر سیاهکل می کنیم" و سپس با قیام بهمن نقطه پایانی همیشگی بر سلطه رژیم سلطنت گذاشتند. متأسفانه سرنگونی رژیم سلطنت با قطع سلطه امپریالیستی که از اهداف اصلی رزمندگان سیاهکل بود توأم نگشت و به همین دلیل هم سلطه امپریالیستی این بار در پوشش جمهوری اسلامی تداوم یافت. امپریالیستها که با انقلاب مردم سلطه خود را در خطر می دیدند در کنفرانس گوادالوپ جمهوری اسلامی را به مثابه آلترناتیو مورد نظرشان تعیین نموده و این بدیل امپریالیستی در طول حیات سراسر جنایت بار خود بر سر مردم ما آن آورد که زبان از بیانش قاصر است.

رزمندگان سیاهکل با این تحلیل که "هر گونه تغییر و تحولی در جامعه بدون آن که به تضاد اصلی نظام موجود، یعنی تضاد بین خلق و سلطه امپریالیستی، توجه شود ، تبدیل به یک چیز پوچ و مهمل می گردد" رژیم سلطنت را به مثابه کانال اصلی سلطه امپریالیسم به توده ها شناسانده و آن را آماج حملات دلیرانه خود قرار دادند. و دیدیم که با اوج گیری انقلاب مردم و فرار شاه ، مردمی که این پیام را در طول ۸ سال نبرد مسلحانه گرفته بودند فوراً فریاد بر آوردند "بعد از شاه نوبت آمریکاست" چرا که می دانستند بدون نابودی سلطه امپریالیستی و نظام سرمایه داری وابسته امکان رسیدن به آزادی وجود ندارد. و این واقعیت را قدرت گیری جمهوری اسلامی به عینه به اثبات رساند. و مردم در ۳۴ سال گذشته و در زیر سلطه جمهوری اسلامی شاهد بودند که سر دمداران این رژیم جنایتکار در حالی که بر علیه امپریالیسم شعار می دهند خطوط دیکته شده از سوی آن ها را پیش برده و نه تنها در ایران بلکه در منطقه و سراسر جهان ، جاده صاف کن پیشرفت سیاست های ضد خلقی امپریالیسم شده اند. تجربه رفتن شاه و آمدن خمینی و ملا خور شدن همه مطالبات مردم به آشکاری نشان داد که تئوری رزمندگان سیاهکل که قطع سلطه امپریالیسم را هدف این مرحله از انقلاب می دانست چه ارتباط غیر قابل انکاری با واقعیت داشته و چرا تا سلطه امپریالیستی و نظام سرمایه داری پا برجاست ، از آزادی و دموکراسی و دیگر مطالبات مردمی هم خبری نخواهد بود.

امروز در شرایطی سالگرد این رویدادهای بزرگ تاریخی را گرامی می داریم که بار دیگر شاهد بازار گرمی آلترناتیو سازی های امپریالیستی می باشیم. کنفرانس های استکهلم، بروکسل و پراگ نمونه های آشکاری از این تلاش ضد انقلابی هستند. قدرت های بزرگ در پوشش متحد کردن مخالفین جمهوری اسلامی در تلاش اند تا نظر مردم را به بدیل هائی جلب کنند که هنوز به قدرت نرسیده مهر وابستگی بر پیشانی دارند. و درست به

همین دلیل هم نه کسی آن ها را جدی می گیرد و نه این تلاش ها را می توان در راستای مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم حاکم که تنها راه رسیدن به آزادی است ، تلقی نمود. براستی چرا باید مردمی که یک بار تداوم سلطه نظام سرمایه داری در زیر پرچم خمینی و جمهوری اسلامی را تجربه کرده اند بار دیگر به چنین آلترناتیو هائی دل خوش کنند.

مردم مبارز ایران !

تجربه مبارزات انقلابی در حداقل نیم قرن اخیر نشان داده تا نظام سرمایه داری حاکم که تا مغز استخوان به امپریالیست ها وابسته است از پائین و به دست کارگران و توده های ستمدیده نابود نشود ، امکان رهائی از شرایط فلاکت بار کنونی وجود ندارد و تنها با رهبری طبقه کارگر متشکل و مجهز به ایده ثلویژی کمونیستی است که پیروزی دست یافتنی است. اما مشکل بزرگ اینجاست که طبقه کارگر ایران در شرایط دیکتاتوری عنان گسیخته حاکم بر جامعه ، از طریق مبارزات مسالمت آمیز امکان تشکل ندارد. در واقع دیکتاتوری حاکم که دارای ماهیت امپریالیستی است نه فقط به طبقه کارگر بلکه به هیچ قشر و طبقه دیگری امکان متشکل شدن نمی دهد. بنابراین، از یک طرف این واقعیتی است که کارگران و زحمتکشان و دیگر توده ها در شرایطی که دیگر تداوم ظلم و ستم برای آنان غیر قابل تحمل می گردد ، بپا خاسته و نظم ظالمانه حاکم را دچار اخلاخ خواهند کرد و در واقع قیام هائی برپا خواهند نمود، و از طرف دیگر چون شرایط دیکتاتوری امکان متشکل شدن به طبقه کارگر و در نتیجه رهبری قیام توده ها را به طبقه کارگر نمی دهد، چنان قیام هائی محکوم به شکست هستند. این واقعیتی است که تجربه شکست قیام بهمن بروشنی در مقابل چشم همگان قرار داد. در اینجاست که راه استراتژیکی ای که رزمندگان سیاهکل به آن باور داشتند و رزم دلاورانه خود را برای تحقق آن آغاز نمودند، ضرورت و حقانیت خود را مطرح می کند که همانا راه مبارزه مسلحانه توده ای است. اگر امپریالیست ها دشمنان اصلی مردم ما هستند که امروز از کانال رژیم منفور جمهوری اسلامی عمل می کنند، طبقه کارگر و توده های تحت ستم ایران هیچ راهی جز مسلح کردن خود و مبارزه مسلحانه طولانی با این دشمنان جهت رهائی و نجات خود از جهنمی که امروز در آن زندگی می کنند ندارند.

با توجه به چنین واقعیتی است که در حوزه دیگر امروز باید با قاطعیت علیه همه نیرو ها و کسانی برخاست که می خواهند با کمک امپریالیست ها و با شرکت در پروژه های آلترناتیو سازی آن ها، مردم ما را فریب داده و ادعا می کنند که گویا برای رسیدن به آزادی و دموکراسی در چنین راهی گام بر می دارند.

واقعیت این است که راه رسیدن به آزادی همان راهی است که چریکهای فدائی خلق با برپائی رستاخیز سیاهکل با تئوری و عمل خود آن را نشان دادند. بدون انقلابی بزرگ برای نابودی سلطه امپریالیسم و نظام سرمایه داری حاکم هیچ راه نجاتی وجود ندارد و این تنها راهی است که در مقابل مردم ما و نیرو های انقلابی قرار دارد که باید با همه وجود در جهت اش گام برداشت و انقلاب ایران را به پیروزی رهنمون کرد.

مرگ بر امپریالیسم !

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی !

پیروز باد انقلاب ضد امپریالیستی خلق های ایران !

گرامی باد خاطره فراموش نشدنی رزمندگان سیاهکل و توده های قیام کننده در بهمن ۵۷

چریکهای فدائی خلق ایران

بهمن ۱۳۹۱